

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه حکیم سبزواری

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد (M.A.)  
رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

## **بررسی و طبقه‌بندی جریان‌های گوناگون شعری دهه‌ی هشتاد**

**استاد راهنما:**

**دکتر عباس محمدیان**

**استاد مشاور:**

**دکتر ابراهیم استاجی**

**نگارنده:**

**علی صادقی**

**تابستان ۹۲**



فرم ۱۱۴ - ت

شماره :

تاریخ :

به نام خداوند جان و خرد

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

با تلاوت آیاتی چند از کلام ا... مجید جلسه دفاع از پایان نامه آقای علی صادقی دانشجوی کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی با عنوان بررسی و طبقه بندی جریان های مختلف شعری دهه ی هشتاد در ساعت ۱۱ صبح مورخه ۱۳۹۲/۷/۲ در محل تالار اجتماعات دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی تشکیل گردید .

پس از استماع گزارش ارائه شده توسط دانشجو و استاد راهنما، هیات داوران سئوالاتی را مطرح و آقای علی صادقی به دفاع از موضوع پرداخت و به سئوالات آنها پاسخ گفت .

سپس پایان نامه توسط هیات داوران مورد ارزشیابی قرار گرفت و نمره ۱۶ برابر درجه خوب برای آن تعیین گردید .

به این ترتیب ضمن تصویب پایان نامه مزبور از این تاریخ آقای علی صادقی به عنوان کارشناس ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی شناخته می شود .

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	امضا
۱	دکتر عباس محمدیان	استاد راهنما	
۲	دکتر ابراهیم استاجی	استاد مشاور	
۳	دکتر مهیار علوی مقدم	استاد داور	
۴	دکتر مهدی رحیمی	نماینده تحصیلات تکمیلی	

نام و نام خانوادگی و امضای مدیر گروه

مهیار علوی مقدم

رونوشت

- ۱- معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه جهت اطلاع
- ۲- معاونت پژوهشی دانشگاه جهت اطلاع
- ۳- آموزش دانشکده جهت درج در پرونده دانشجو
- ۴- دانشجو



دانشگاه حکیم سبزواری

## سوگندنامه دانش آموختگان دانشگاه حکیم سبزواری

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد

اینک که به خواست آفریدگار پاک، کوشش خویش و بهره‌گیری از دانش استادان و سرمایه‌های مادی و معنوی این مرز و بوم، توشه‌ای از دانش و خرد گردآورده‌ام، در پیشگاه خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که در به کارگیری دانش خویش، همواره بر راه راست و درست گام بردارم. خداوند بزرگ، شما شاهدان، دانشجویان و دیگر حاضران را به عنوان داورانی امین گواه می‌گیرم که از همه‌ی دانش و توان خود برای گسترش مرزهای دانش بهره‌گیرم و از هیچ کوششی برای تبدیل جهان به جایی بهتر برای زیستن، دریغ نورزم. پیمان می‌بندم که همواره کرامت انسانی را در نظر داشته باشم و ممنوعان خود را در هر زمان و مکان تا سر حد امکان یاری دهم. سوگند می‌خورم که در به کارگیری دانش خویش به کاری که با راه و رسم انسانی، آیین پرهیزگاری، شرافت و اصول اخلاقی برخاسته از ادیان بزرگ الهی، به ویژه دین مبین اسلام، مابینت دارد دست نیازم.

همچنین در سایه‌ی اصول جهان شمول انسانی و اسلامی، پیمان می‌بندم از هیچ کوششی برای آبادانی و سرافرازی میهن و هم میهنانم فروگذاری نکنم و خداوند بزرگ را به یاری طلبم تا همواره در پیشگاه او و در برابر وجدان بیدار خویش و ملت سرافراز، بر این پیمان تا ابد استوار بمانم.

علی صادقی

## مجوز بهره برداری از پایان نامه

بهره برداری از این پایان نامه در چهار چوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی

که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود بلامانع است:

- بهره برداری از این پایان نامه برای همگان بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه با اخذ مجوز از استاد راهنما بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه تا تاریخ ..... ممنوع است.

استاد راهنما : استاد راهنمای اول

تاریخ :

امضاء:

## تاییدیه‌ی صحت و اصالت نتایج

اینجانب علی صادقی به شماره دانشجویی ۸۹۱۳۳۲۱۱۱۸ رشته زبان و ادبیات فارسی مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد تأیید می‌نمایم که کلیه‌ی نتایج این پایان‌نامه حاصل کار اینجانب و بدون هرگونه دخل و تصرف و موارد نسخه برداری شده از آثار دیگران را با ذکر کامل مشخصات منبع ذکر کرده‌ام در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ضوابط و مقررات آموزشی پژوهشی و انضباطی ...) با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هرگونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می‌نمایم. در ضمن مسئولیت هرگونه پاسخ‌گویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی‌صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ‌گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

نام و نام خانوادگی

تاریخ و امضا

## تقدیم به

همه‌ی خوبان و عزیزانم:  
پدر، مادر، همسر و گل‌های باغ زندگانی‌م  
صدر او شنا.

## سپاس‌گزاری

فراهم آمدن این پژوهش، پس از الطاف و عنایات بی‌کران حضرت حق، با راهنمایی‌ها و همراهی‌های سروران گران‌قدری حاصل شد که سپاس‌گزاری، جبران گوشه‌ی ناچیزی از زحمات این عزیزان است.

استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر عباس محمدیان، که راهنمایی‌های استادانه‌ی خویش را از من دریغ نداشتند و همواره ندانسته‌های بی‌شمارم را پاسخ گفته‌اند و خامی‌هایم را صبورانه تحمل کرده‌اند.

استاد عزیزم، جناب آقای دکتر ابراهیم استاجی، که دلسوزی‌هایشان در طول نوشتن این تحقیق، تحمل سختی‌ها را بر من هموار کرده است.

و تمام عزیزانی که در نوشتن این پایان‌نامه مرا یاری کرده‌اند.





دانشگاه گیلان

## فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی

### دفتر مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: صادقی	نام: علی	شماره دانشجویی: ۸۹۱۳۳۲۱۱۱۸
استاد راهنما: دکتر عباس محمدیان	استاد مشاور: دکتر ابراهیم استاجی	
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	رشته: زبان و ادبیات فارسی	
مقطع: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع: ۱۳۹۲/۰۷/۰۲	تعداد صفحات:
عنوان پایان‌نامه:		
بررسی و طبقه‌بندی جریان‌های گوناگون شعری دهه‌ی هشتاد		
کلیدواژه‌ها: شعر، دهه‌ی هشتاد، جریان‌شناسی، قالب‌های شعری.		
<p>شعر هر دهه به تناسب شرایط سیاسی و اجتماعی آن دهه دچار تغییر و تحول می‌شود. شعر دهه‌ی هشتاد نیز از این قاعده مستثنی نیست. گسترش روزافزون فضای مجازی در این دهه باعث جریان یافتن شعر در میان توده‌های مختلف مردم و ارتباط هنرمندان با هم گردید. این مسأله مزایا و معایبی داشت که مهم‌ترین مزیت آن، دسترسی آسان شعرخوانان به تازه‌های شعر و عیب بزرگ آن رواج مدهای شعری و یکسان‌نویسی بود. در این دوره‌ی زمانی، غزل، رباعی، دوبیتی و قالب‌های نو از رونق بیشتری برخوردار است و قالب‌هایی مانند مثنوی و چارپاره نیز کم و بیش به کار گرفته می‌شود؛ اما از قصیده، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند و ... تنها به صورت محدود در اشعار آیینی می‌توان سراغ گرفت. یکی از اتفاقات تازه در این دهه رواج شعر کوتاه است. این گونه‌ی شعر بیشتر متأثر از ژانر جهانی «هایکو» است که امروزه در سراسر دنیا گسترش یافته است. از رایج‌ترین مضامین شعری دهه‌ی هشتاد، پرداختن به مفاهیم اجتماعی و سیاسی، رواج اعتراض زیرپوستی و توجه به مفاهیم دم‌دستی است؛ البته در کنار این اندیشه‌ها، مفاهیم مذهبی و جبهه و جنگ، همچنان در شعر شاعران دیده می‌شود. از نظر زبان و شیوه‌ی بیان، در این دهه شاهد جریانی موسوم به «پست مدرن» هستیم که ساختار شکنی‌های زبانی و شکست روایت، از مشخصه‌های برجسته‌ی آن است. این جریان ابتدا در شعر نو اتفاق افتاد؛ اما امروزه غزل و سایر قالب‌های کلاسیک را هم تحت تأثیر قرار داده است.</p>		

## فهرست مطالب

- پیش‌گفتار ..... ۱
- کلیات ..... ۲

### فصل اول: جریان شعر کلاسیک

- ۱- غزل ..... ۱۴
- ۱-۱ انواع غزل از دیدگاه محتوا ..... ۱۵
- ۱-۱-۱ غزل عاشقانه ..... ۱۵
- ۱-۱-۲ غزل عارفانه ..... ۱۶
- ۱-۱-۳ غزل قلندرانه ..... ۱۶
- ۱-۱-۴ غزل تعلیمی ..... ۱۷
- ۱-۱-۵ غزل مضمونی ..... ۱۸
- ۱-۱-۶ غزل اجتماعی ..... ۱۸
- ۱-۲ آموزه‌های نیما و غزل معاصر ..... ۱۹
- ۱-۳ شاعران نوتغزلی ..... ۲۰
- ۱-۴ انقلاب اسلامی و قالب غزل ..... ۲۱
- ۱-۴-۱ غزل انقلاب در سال‌های نخست ..... ۲۲
- ۱-۴-۱-۱ شعارزدگی ..... ۲۲
- ۱-۴-۱-۲ به کارگیری اشارات مستقیم به حوادث و رویدادها ..... ۲۳
- ۱-۴-۱-۳ قطع پیوند با جریان‌های رایج پیش از انقلاب ..... ۲۳
- ۱-۴-۱-۴ راه‌یابی مفاهیم و واژگان مذهبی به شعر ..... ۲۳
- ۱-۴-۲ دوره‌ی دوم غزل انقلاب ..... ۲۴

- ۱-۵ محتوای غزل انقلاب ..... ۲۵
- ۱-۵-۱ غزل حماسی ..... ۲۵
- ۱-۵-۲ غزل اعتراض ..... ۲۶
- ۱-۵-۳ غزل عرفانی ..... ۲۷
- ۱-۵-۴ غزل عاشقانه ..... ۲۸
- ۱-۵-۵ غزل حماسی - عرفانی ..... ۳۰
- ۱-۵-۶ غزل مذهبی ..... ۳۰
- ۱-۵-۷ غزل جنگ ..... ۳۱
- ۱-۶ تقسیم‌بندی غزل انقلاب از نظرگاه جریان تحول ..... ۳۲
- ۱-۶-۱ غزل مدرن ..... ۳۳
- ۱-۶-۱-۱ غزل نو محض ..... ۳۳
- ۱-۶-۱-۲ غزل نو معتدل ..... ۳۴
- ۱-۶-۱-۳ غزل مبتنی بر ترکیب‌سازی ..... ۳۵
- ۱-۶-۱-۴ غزل فرم ..... ۳۶
- ۱-۶-۱-۵ غزل پست مدرن ..... ۳۸
- ۱-۶-۱-۵-۱ نشانه‌های غزل پست مدرن ..... ۳۸
- ۱-۶-۱-۵-۱-۱ شکست روایت ..... ۳۹
- ۱-۶-۱-۵-۱-۲ تحولات زبانی ..... ۴۰
- ۱-۶-۱-۵-۱-۳ نوآوری و هنجارشکنی در فرم غزل ..... ۴۴
- ۱-۷ مدگرایی در غزل دهه‌ی هشتاد ..... ۴۹
- ۱-۷-۱ به کارگیری اوزان بلند ..... ۴۹
- ۱-۷-۲ استفاده از کلمات و نوشتار لاتین در شعر فارسی ..... ۵۰
- ۱-۷-۳ بهره‌گیری از دایره‌ی واژگان خاص و تقلید شاعران از آن ..... ۵۱
- ۲- دوبیتی ..... ۵۳

- ۵۴ ..... ۲-۱ دوبیتی در شعر نیما و پیروانش
- ۵۶ ..... ۲-۲ دوبیتی در شعر انقلاب
- ۵۷ ..... ۲-۳ دوبیتی در دهه‌ی هشتاد
- ۶۱ ..... ۳- رباعی
- ۶۲ ..... ۳-۱ نیما و رباعی
- ۶۳ ..... ۳-۲ پیروان نیما و رباعی
- ۶۵ ..... ۳-۳ شعر انقلاب و رباعی
- ۶۷ ..... ۳-۴ رباعی در دهه‌ی هشتاد
- ۷۳ ..... ۴- مثنوی
- ۷۳ ..... ۴-۱ انواع محتوایی مثنوی
- ۷۳ ..... ۴-۱-۱ مثنوی حماسی
- ۷۴ ..... ۴-۱-۲ مثنوی‌های عاشقانه
- ۷۴ ..... ۴-۱-۳ مثنوی‌های عرفانی و تعلیمی
- ۷۵ ..... ۴-۲ مثنوی در دوره‌ی انقلاب اسلامی
- ۷۵ ..... ۴-۲-۱ مثنوی‌های علی معلم
- ۷۵ ..... ۴-۲-۲ مثنوی‌های احمد عزیزی
- ۷۶ ..... ۴-۳ مثنوی‌سرایی در دهه‌ی هشتاد
- ۸۰ ..... ۵- چارپاره
- ۸۰ ..... ۵-۱ چارپاره در دوره‌ی انقلاب اسلامی
- ۸۰ ..... ۵-۲ چارپاره در دهه‌ی هشتاد
- ۸۵ ..... ۶- قصیده
- ۸۵ ..... ۶-۱ قصیده پس از انقلاب اسلامی
- ۸۶ ..... ۶-۲ قصیده در دهه‌ی هشتاد
- ۸۸ ..... ۷- قطعه، ترکیب‌بند و ...

## فصل دوم: جریان نوسروده‌ها

- ۱- زمینه‌های تحوّل و نوخواهی در ایران ..... ۹۱
- ۲- نیما بنیان‌گذار شعر نو ..... ۹۴
- ۲-۱ عمده‌ترین نوآوری‌های نیما در شعر ..... ۹۵
- ۲-۱-۱ نزدیکی نظم به نثر ..... ۹۵
- ۲-۱-۲ بیان روایی ..... ۹۶
- ۲-۱-۳ تحوّل‌ات وزنی ..... ۹۶
- ۲-۱-۴ قافیه ..... ۹۷
- ۲-۱-۵ بیان سمبلیک ..... ۹۷
- ۲-۱-۶ تحوّل در تصویرسازی ..... ۹۸
- ۳- جریان‌های حاشیه‌ای شعر نو ..... ۹۹
- ۳-۱ جنبش ادبی شاهین ..... ۹۹
- ۳-۲ جریان شعر بنفش ..... ۱۰۰
- ۳-۳ موج نو ..... ۱۰۱
- ۳-۴ شعر حجم ..... ۱۰۳
- ۳-۵ شعر ناب ..... ۱۰۴
- ۳-۶ شعر گفتار ..... ۱۰۵
- ۴- جریان شعر آزاد بعد از انقلاب اسلامی ..... ۱۰۷
- ۴-۱ شاعران روشن‌فکر ..... ۱۰۷
- ۴-۱-۱ شعر پسانیمایی ..... ۱۰۸
- ۴-۱-۲ شعر حرکت ..... ۱۱۰
- ۴-۱-۳ شعر زبانی ..... ۱۱۱
- ۴-۱-۴ شعر لحظه ..... ۱۱۳
- ۴-۱-۵ فراشعر ..... ۱۱۳

- ۱۱۵ ..... ۴-۱-۶ شعر سینمایی
- ۱۱۶ ..... ۴-۱-۷ شعر چندصدایی
- ۱۱۶ ..... ۴-۱-۸ شعر چند شماره‌ای
- ۱۱۷ ..... ۴-۱-۹ شعر سفید نویس
- ۱۱۸ ..... ۴-۱-۱۰ جریان پست مدرن
- ۱۱۸ ..... ۴-۱-۱۰-۱ پست مدرن چیست؟
- ۱۲۱ ..... ۴-۱-۱۰-۲ شعر پست مدرن در ایران
- ۱۲۶ ..... ۵ برخی شناسه‌ها و تکنیک‌های رایج در شعر آزاد دهه‌ی هشتاد
- ۱۲۶ ..... ۵-۱ بهره‌گیری از واژه‌های دومعنایی در ساختار شعر
- ۱۲۶ ..... ۵-۲ به کارگیری تناقض در بافت شعر
- ۱۲۷ ..... ۵-۳ دست بردن در شکل نوشتاری کلمات
- ۱۲۸ ..... ۵-۴ کارکرد دوسویه بخشیدن به کلام
- ۱۳۰ ..... ۶- نوسروده‌های کوتاه
- ۱۳۰ ..... ۶-۱ شاعران نیمایی و نوسروده‌های کوتاه
- ۱۳۱ ..... ۶-۱-۱ طرح
- ۱۳۴ ..... ۶-۱-۲ چکیده - شعر
- ۱۳۴ ..... ۶-۲ نوسروده‌های کوتاه در شعر عصر انقلاب
- ۱۳۷ ..... ۶-۳ دهه‌ی هشتاد و نوسروده‌های کوتاه
- ۱۳۸ ..... ۶-۳-۱ درباره‌ی هایکو
- ۱۴۶ ..... نتیجه‌گیری
- ۱۴۹ ..... نمایه‌ی شاعران و نویسندگان
- ۱۵۷ ..... نمایه‌ی کتاب‌ها
- ۱۵۹ ..... کتابنامه

## پیش‌گفتار

در گذشته به دلایل مختلف، رویه‌های شعری عمری طولانی نداشتند؛ به طوری که در طول بیش از هزار سال تنها سه سبک عمده، یعنی خراسانی، عراقی و هندی مجال بروز و ظهور یافتند. در این مدت هزار سال، تنوع محتوایی چندانی در شعرها دیده نمی‌شد. از نظر قالب نیز، هر قالب برای موضوعاتی از پیش تعیین شده به کار می‌رفت؛ اما امروزه به خاطر تبادل سریع اندیشه‌ها و اطلاعات، دیگر چندان مجالی برای ماندگاری یک رویه‌ی شعری فراهم نمی‌شود. وسایل بی‌شمار ارتباطی و ذهن نوجوی انسان امروز به داد و ستدهای ادبی رونق و سرعت بخشیده و باعث شده است که هر روز جریانی تازه متولد شود و بسیاری از جریان‌ها هنوز به بلوغ نرسیده راه افول در پیش گیرند.

شعر و هنر در این روزگار پیوندی عمیق و ناگسستنی با سیاست و اجتماع دارد؛ لاجرم هرگونه دگرگونی و تحوّل در این دو وادی، باعث شکل‌گیری جریان و راهی تازه در عرصه‌ی شعر و هنر می‌گردد. مطالعه و معرفی این اتّفاقات و پیوندها، شاخه‌ی جدیدی را تحت عنوان «جریان‌شناسی» پدید آورده است.

جریان‌شناسی در پی آن است که رویه‌ها، اتّفاقات و رویکردهای تازه‌ی ادبی یک دوره‌ی تاریخی را آن‌چنان که هست، توصیف کند. با این دیدگاه جریان‌شناسی را می‌توان نوعی گزارش و کارنامه‌ی ادبی یک دوره دانست که دنبال کردن آن در عین دشواری، نوعی لذّت کشف هم به همراه دارد.

مطالعه‌ی کارنامه‌ی ادبی شعر در دهه‌ی هشتاد نشان می‌دهد که این دهه پر از فراز و فرودهای مختلف بوده است. این دوره دست‌خوش رویدادها و تحولات سیاسی و اجتماعی فراوانی بود. از آن میان می‌توان به روی کار آمدن دو جریان اصلاح‌طلب و اصول‌گرا اشاره نمود. این دو جریان سیاسی، با دو بینش متفاوت، به مسائل فرهنگی و هنری نظر داشتند. برخورد و نگاه متفاوت این دو جریان سیاسی، فضا را برای ظهور جریان‌های تازه در عرصه‌ی شعر و هنر فراهم آورد که شناخت بهتر و کامل‌تر اوضاع فرهنگی و مطالعه‌ی جریان‌های ادبی را در این دهه لازم و ناگزیر می‌سازد.

همان‌طور که از عنوان این پژوهش برمی‌آید، در گزارش هر بخش، بنا بر معرفی جریان‌هاست نه شاعران؛ بنابراین برای پرهیز از اطناب، آثار شاعران کم‌تر مورد موشکافی قرار گرفته و تنها به مرور نمونه‌هایی از هر جریان بسنده شده است؛ چرا که در این مجال تنگ، مقصود ما، شناختی از کلیت شعر این دوره است، نه شاعر یا شاعرانی خاص.

گزاره‌هایی که در این پژوهش ارائه شده است، در عین پیوستگی، گسسته است؛ یعنی می‌توان آن‌ها را جداگانه یا با هم مطالعه کرد. تقسیم‌بندی این گزارش براساس فرم و قالب است؛ اما در هر بخش به طور مختصر به معنا و محتوا نیز پرداخته شده است.

نکته‌ی دیگر این که، کتاب‌ها و مجموعه‌هایی که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده، عموماً مربوط به همین دهه هستند. شاهدمثال‌ها نیز همه از کتاب‌های انتخاب شده که سال انتشار آن‌ها مربوط به این دوره‌ی زمانی است.

نکته‌ی آخر این که انتخاب این موضوع که هر بخش از آن به طور جداگانه، مجال وسیعی است برای رساله‌ای وزین، نه جهت رفع تکلیف، که بر حسب علاقه‌ی باطنی این‌جانب به شعر معاصر انجام گرفته است.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از راهنمایی‌ها، همفکری‌ها و مساعدت‌های بی‌شائبه و بی‌دریغ استادان ارجمندم: آقایان دکتر محمدیان، استاد راهنما و دکتر استاجی، استاد مشاور، صمیمانه سپاس‌گزاری و تشکر نمایم. اگر نبود این همه لطف و محبت این بزرگواران، این مختصر هرگز شکل



نمی‌گرفت. اگر در این پژوهش قوتی مشاهده می‌شود، مربوط به این دو بزرگوار است و اگر کاستی و کمبودی به چشم می‌آید، بدون تردید خطاهای این حقیر است. و نیز از دوست و استاد ارجمندم، آقای حسن دلبری، صمیمانه تشکر می‌کنم که در بیشتر مراحل این پژوهش، راهنمایی‌ها و محبت‌های ایشان راه‌گشای من بوده است. در یک کلام برای همه‌ی استادان بزرگواری که از محضرشان کسب فیض نموده‌ام، از درگاه خداوند سبحان، اجر دنیوی و اخروی مسألت می‌نمایم.

علی صادقی

تابستان ۹۲

## کلیات

### درباره‌ی جریان‌شناسی

بی‌گمان برای لذت بردن و درک درست هر اثر ادبی و هنری، باید حال و هوای شکل‌گیری و حوزه‌ی زمانی و مکانی آن را به خوبی شناخت و از بررسی‌های آن اطلاع یافت. تنها به این شیوه می‌توان عالمانه و به دور از حبّ و بغض، به داوری و نقد یک اثر پرداخت. به عنوان نمونه، آنچه بیش از همه باعث شد گروهی به نوآوری‌ها و ساختارشکنی‌های نیما یوشیج در شعر واکنش نشان دهند، عدم شناخت آن‌ها نسبت به اسباب و علل شکل‌گیری این جریان بود. جالب این‌جاست که اکثر این گروه مخالف، دانش‌آموختگان و فرزندان دانشگاهی بودند. آنان از سر ناآشنایی و عدم معرفت به موجبات این تغییر و تحوّل ناگزیر، راه دشمنی و انکار را در پیش گرفتند. اما در این میان بودند کسانی که با شناخت و درک درست از حال و هوای تحولات صورت گرفته در شعر نو، به سراغ مطالعه و نقد آن رفتند. از این‌رو آنان نه تنها در مقام انکار برنیامدند، بلکه خود از مشوقان این جریان تازه گردیدند. شفיעی‌کدکنی، پورنامداریان و شمیسا را می‌توان در شمار این گروه به حساب آورد.

در ابتدای این مقاله، غرض من داوری درباره‌ی کار منتقدان شعر نو نیست. در واقع هدف از طرح این مقوله، درک ضرورت «جریان‌شناسی» است که کار عمده‌ی آن بررسی چگونگی تولّد، رشد، اوج و احتمالاً افول یک جریان شعری است. هر چند گفته‌اند کار جریان‌شناسی تنها توصیف است نه

نقد و داوری، اما نتایج کار جریان‌شناسی می‌تواند راه‌گشای نقد درست و عالمانه‌ی آثار و جریان‌های ادبی گردد.

«جریان‌شناسی» اصطلاح یا مفهومی است که در دوره‌های اخیر وارد متن فارسی و حوزه‌ی نقد ادبی گردیده است. اگرچه گروهی از نهادن نام «نقد» بر بحث جریان‌شناسی پرهیز می‌کنند، آن‌ها عموماً کسانی هستند که نقد را گفت‌وگویی میان متن و مخاطب (منتقد) می‌دانند. اما اگر از دریچه‌ی نگاه «رنه ولک»<sup>۱</sup> به نقد ادبی نگاه کنیم که هرگونه مقالی را درباره‌ی ادبیات نقد می‌نامد، جریان‌شناسی نیز به راحتی زیر عنوان نقد قرار می‌گیرد (ن.ک: میرسلیمی، ۱۳۷۴: ۳۵).

جریان‌شناسی در واقع گزارش کارنامه‌ی ادبی یک دوره است، البته نه به شکل منقطع و جدا از دوره‌های پیش یا پس از خود. چرا که شناخت درست یک جریان بدون توجه به پیشینه‌ی ادبی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی آن ناممکن است. از این‌رو جریان‌شناسی برای وانمایی درست یک جریان، گاه مجبور می‌شود به صدها یا هزاران سال پیش برگردد. به عنوان نمونه، جریان‌شناسی برای تبیین و تشریح «کوته‌سرایی» در شعر نو فارسی، ناچار است قالب‌های کهنی چون رباعی و دوبیتی را بررسی کند و حتی از شعر کوتاه ایرانی در پیش از اسلام که به «خسروانی» موسوم بود، شمه‌ای بیان نماید.

مفاهیم و اصطلاحاتی که در حوزه‌ی نقد ادبی وجود دارد، هر کدام دارای تعریف و چارچوب خاصی هستند. مثلاً، دو واژه‌ی «مکتب» و «سبک» که معمولاً به اشتباه به جای هم به کار می‌روند، هر کدام مفهوم خاص خود را دارند. «مکتب» (school) یا صورت کامل‌تر آن، مکتب ادبی (literary school) مفهومی فراگیرتر و عام‌تر از سبک (style) دارد. سبک در اصل وضع و در مفهوم اولیه و اصلی خود دارای صبغه‌ی شخصی است، در حالی که مکتب، صورت جمعی دارد. مکتب، راه و شیوه‌ی است که گروهی از هنرمندان از آن پیروی می‌کنند، اما سبک، شیوه و راه‌کار ادبی - هنری است که هر شاعر، نویسنده و یا هنرمندی برای خود برمی‌گزیند» (عالی عباس‌آباد، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴).

---

1 - Rene Wellek

سیما داد در کتاب *فرهنگ اصطلاحات ادبی* در تعریف مکتب چنین می‌نویسد: «این اصطلاح در مورد گروهی از نویسندگان به کار می‌رود که همگی چون پیکره‌ای واحد و مؤثر به هم می‌پیوندند. گروهی که عموماً در اصول با هم توافق دارند و آثار خود را بر آن اصول می‌نهند. گاهی این اصول در هیأت بیانیه‌ای جلوه گر می‌شود. یک مکتب ممکن است نهضتی را به وجود آورد که حوزه‌ی نفوذ آن به چندین کشور کشیده شود. مکتب‌ها ممکن است دوره‌ی حیات کوتاهی داشته باشند، اما تاثیرگذاری آن‌ها ممکن است تا سال بعد ادامه داشته باشد.» (داد، ۱۳۷۱: ۶۰۶)

با توجه به این تعریف از مکاتب ادبی، در می‌یابیم که هر رویه‌ی ادبی، پیش از تبدیل شدن به مکتب، به صورت یک جریان ادبی آغاز شده است، یعنی اغلب حاصل تلاش جمعی محدود بوده است که کم‌تر از خصلت‌های کار خود آگاه بوده‌اند. بعدها شخص یا اشخاصی که غالباً منتقد یا هنرمند بوده‌اند، شیوه‌ی هنری آنان را تشخیص داده و تدوین نموده‌اند. آنان این شیوه‌ی نوین را در بیانیه‌ای که اصطلاحاً «مانیفست» یا «مرام‌نامه» می‌نامند اعلام کرده و اهداف و روش‌های آن مکتب را شرح و بسط داده‌اند. سپس هنرمندانی دیگر این روش‌ها را ادامه داده، کامل نموده‌اند و به این ترتیب مکتبی تازه به وجود آمده است. البته محدود مکاتبی هستند که در آن‌ها تنظیم مرام‌نامه، مقدم بر شکل‌گیری مکتب بوده است. یعنی یک نظریه‌پرداز در وهله‌ی اول اصول و اهدافی را برای مکتب خود ترسیم نموده، سپس خود و دیگر شاعران و نویسندگان آن را به مرحله‌ی عمل در آورده‌اند. (ن.ک، میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۵۰).

لازم به یادآوری است که هر جریان ادبی لزوماً به یک مکتب ادبی تبدیل نمی‌شود. چرا که بسیاری از جریان‌های ادبی با اقبال و توجه عمومی و درازمدت مواجه نمی‌شوند و در همان مراحل اولیه‌ی رشد، راه افول را در پیش می‌گیرند. چنان‌که پس از نیمه، جریان‌های نوجوی فراوانی، در مدتی کوتاه به وجود آمدند، ولی به علت عدم استقبال، خیلی زود متروک شدند و از میان رفتند. جریان‌هایی از قبیل: شعر جیغ بنفش هوشنگ ایرانی، شعر ریاضی کیومرث منشی‌زاده، شعر تندرکیا